■ ارتش اسرائیل برای حمله زمینی آماده شده است؛ منتها هر چه جلوتر آمدند خلأهای اطلاعاتی بیشتری برای‌شان جلب توجه کرد. الان مشغول بررسی اوضاع هستند و در تلاشند اطلاعات ناقص‌شان را تکمیل کنند. اینها دشمن‌شان را درست نمی‌شناسد، محیطی که می‌خواهند ورود کنند را به درستی نمی‌شناسند. به جنگ دشمنی رفتند که چند هفته پیش در بیرون از خانه آنها را با شکست مواجه کرده در حالی که همین دشمن در درون خانه از موقعیت برتر برخوردار است

گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر سعدالله زارعی درباره پیامدهای عملیات توفان الاقصی و اضمحلال دستگاه تحلیلی رژیم صهیونیستی

تاکتیک مقاومت حفظ پیروزی ۱۵ مهر است

عملیات مقاومت اسلامی غزه در ۱۵ مهرماه، دارای تاثیرات و نتایج راهبردی است اما عملیات انتقامی و واکنشی اسرائیلی‌ها تاثیرات و پیامدهای تاکتیکی دارد؛ فرمایش مقام معظم رهبری درباره غیرقابل ترمیم بودن ضربه وارده به رژیم صهیونیستی دقیقا در همین راستاست، اینکه نتایج راهبردی عملیات مقاومت اسلامی غزه پس از پایان عملیات و جنگ به وضوح برای همگان مشخص خواهد شد و خود را نشان خواهد داد. به منظور بررسی واکنش‌های احتمالی رژیم صهیونیستی و علت تعلل اسرائیل در حمله زمینی به غزه و همراهی کرانه باختری با حرکت مردم غزه با دکتر سعدالله زارعی، کارشناس مسائل منطقه گفت‌وگو کردیم.

■ **آقای دکتر! بعد از عملیات مقتدرانه حماس که به توفان الاقصی معروف است، رژیم صهیونیستی مرتب تهدید به حمله زمینی و همه‌جانبه به غزه می‌کند و پاکسازی حماس از این منطقه را جزو اهداف خود بیان می‌کند اما تا امروز که قریب به ۲۰ روز از این عملیات می‌گذرد غیر از بمباران هوایی، اقدام جدی دیگری در زمین از اسرائیل مشاهده نکرده‌ایم. علت این تعلل رژیم صهیونیستی در حمله زمینی چیست؟**

ارتش اسرائیل برای اینکه دست به یک عملیاتی بزند که احیاکننده اعتباری باشد که در عملیات توفان الاقصی در ۱۵ مهرماه از دست داده است، به گام‌های محکم و قطعی احتیاج دارد، چرا که اگر بی‌محابا و بدون محاسبه وارد شود و شکست بخورد با توجه به شکست قبلی، آسیب‌ها بسیار گسترش پیدا می‌کند. در حال حاضر ارتش اسرائیل جمع‌بندی لازم را درباره عملیات زمینی پیدا نکرده است، اگر چه نتانیاهو اعلام کرد ما قطعا ورود و حمله می‌کنیم. ارتش اسرائیل برای حمله زمینی آماده شده است و یگان‌هایی هم به سمت غزه گسیل شدند که شامل ۳ لشکر و ۴ تیپ ویژه می‌شود. اینها برای عملیات زمینی آرایش گرفته‌اند و آماده هستند، منتها هر چه جلوتر آمدند خلأهای اطلاعاتی بیشتری برای‌شان جلب توجه کرد و مرتب فکر اینها را درگیر می‌کرد. الان مشغول بررسی اوضاع هستند و در تلاشند اطلاعات ناقص‌شان را تکمیل کنند. اینها دشمن‌شان را درست نمی‌شناسد، محیطی که می‌خواهند ورود کنند را به درستی نمی‌شناسند. به جنگ دشمنی رفتند که چند هفته پیش در بیرون از خانه آنها را با شکست مواجه کرده در حالی که همین دشمن در درون خانه از موقعیت برتری برخوردار است. نکته دیگری که وجود دارد این است که مقاومت تا اینجای کار پیروز میدان است. مقاومت به دنبال این بود که به ارتش رژیم صهیونیستی ضربه بزند، اعتبارش را مخدوش کند، از او تلفات بگیرد، تعدادی اسیر بگیرد، پادگان ارتش را تصرف کند و یک منطقه‌ای را به تصرف دربیارد که به همه این اهداف رسید.

■ **عده‌ای مطرح می‌کنند که چرا نیروهای مقاومت حمله‌ای ویرانگر همچون عملیات توفان الاقصی را در واکنش به بمباران اسرائیل انجام نمی‌دهند و پاسخ را مشروط به حمله زمینی کرده‌اند؟**

ببینید! مقاومت بعد از عملیات توفان دیگر باید مثل یک تیم فوتبال که در زمین بازی ۲ گل زده، تمرکزش در جهت حفظ دروازه از گل خوردن باشد، نباید باز بی‌محابا جلو بیاید تا در این شرایط فضایی برای دشمن فراهم شود که بتواند گل بزند. تا همین جای کار مقاومت پیروز شده، لذا باید از پیروزی حفاظت کند و این ارتش اسرائیل است که شکست خورده و اعتبارش از دست رفته است. به همین دلیل اسرائیل به کارهای دیوانه‌وار دست می‌زند و می‌خواهد به هر قیمتی این اعتبار از دست رفته را برگرداند، در حالی که طرف مقابل دشمن را بخوبی می‌شناسد و می‌داند چگونه شکست دیگری را بر او تحمیل کند.

■ **چرا ما در چند سال اخیر که غزه با تمام وجود مقابل تجاوزات رژیم صهیونیستی ایستاد و حتی به حمله‌ای پیش‌دستانه در ۱۵ مهر دست زد، حرکت و مبارزه جدی‌ای در کرانه باختری شاهد نیستیم؟ کرانه باختری در این زمینه چه تفاوتی با غزه دارد؟**

ببینید! از زمان آغاز این عملیات فلسطینی‌ها در غزه که به توفان الاقصی موسوم شد، کرانه باختری هم با ارتش اسرائیل درگیر شد و در طول این ۲۰ روز بیش از ۱۰۰ نفر شهید داده است. بیش از ۲۰۰ نفر مجروح شدند و به همین نسبت بیش از ۴۰ نفر از نظامیان اسرائیلی به هلاکت رسیده‌اند، بنابراین کرانه باختری هم درگیر و مشغول است، منتها مختصات کرانه با مختصات غزه خیلی متفاوت است. منطقه کرانه بسته‌تر از منطقه غزه است، در عین حال به لحاظ دسترسی به سلاح، کرانه باختری در یک فضای محدودتری قرار می‌گیرد. الان نیروهای مقاومت غزه مجهز به موشک‌های دوربرد هستند و می‌توانند کل این سرزمین اشغال‌شده از جنوب تا شمال فلسطین اشغالی را در تیررس موشک‌های مقاومت قرار دهند. این امکان در کرانه باختری وجود ندارد، بنابراین از این جهت متفاوت هستند، ضمن اینکه در آنجا یک دولت به ظاهر فلسطینی ولی در باطن متحد اسرائیل به نام دولت آقای محمود عباس وجود دارد که پرچم و ادعایش فلسطین است ولی کارکردش کنترل فلسطینی‌ها و کمک به اسرائیل برای آرام نگه داشتن این منطقه است. بنابراین تفاوت‌هایی وجود دارد اما در عین این تفاوت‌ها اینقدر کرانه در این ۲۰ روز درگیر بوده که نزدیک به ۱۰۰ نفر شهید داده است.

■ **به نظر می‌رسد به لحاظ فکری هم فلسطینی‌های غزه از فلسطینی‌های کرانه باختری آماده‌تر و گرایش بیشتری به مقاومت دارند، اینطور نیست؟**

بله! همین‌طور است. این نکته را باید در نظر گرفت که جمعیت غزه از نظر فکری منسجم‌تر هستند. مردم منطقه غزه بشدت متدین و پای کار هستند و ضمنا همان طور که عرض کردم غزه نقطه‌ای بود که می‌شود هم از سمت دریا آن را تجهیز کرد البته به سختی، هم از راه زمینی می‌شود به آنان کمک کرد به این دلیل که پشت غزه صحرای سیناست و صحرای سینا در کنترل ارتش مصر نبوده و نیست. بعد از جنگ ۱۹۷۱ بین مصر و اسرائیل معاهده‌ای امضا شده بود که یک رژیم امنیتی خاص است. در این رژیم مصری‌ها نمی‌توانستند در صحرای سینا ارتش داشته باشند و فقط باید نیروی انتظامی می‌داشتند. نیروی انتظامی در یک دشت بسیار وسیعی به نام صحرای سینا که خود لااقل ۴ برابر فلسطین مساحت دارد، این امکان را به فلسطینی‌ها می‌داد که بتوانند از این موقعیت استفاده کنند و استفاده می‌کردند و هنوز هم استفاده می‌کنند. هنوز هم مصری‌ها کنترل درستی روی صحرای سینا ندارند، اسرائیلی هم کنترل درستی ندارند به طوری که اخیرا در اسرائیل این بحث مطرح شد که بیاییم خلاف کمپ دیوید به کشور مصر بگوییم شما می‌توانید ارتش در این ناحیه داشته باشید، یعنی آن قرارداد را اصلاح کنیم، مصر ارتش بفرستد و مصر در قبال این مسائل مسؤول شود که البته مصری‌ها هم زیر بار نمی‌روند به دلیل اینکه چنین چیزی برای آنها هزینه بسیاری دارد و هیچ فایده‌ای هم ندارد؛ مصر فقط هزینه می‌کند و فایده آن برای اسرائیلی‌هاست. ضمن اینکه برای مصری‌ها تحقیرآمیز هم هست، بالاخره در ارتش مصر هم کسانی پیدا می‌شوند که هنوز عقده شکست‌های تاریخی خود از ارتش اسرائیل را در ذهن داشته باشند و اگر دست‌شان برسد شمشیری در شکم اسرائیلی‌ها می‌کنند. اگر دولت السیسی این پیشنهاد را بپذیرد و بخواهد اجرا کند باید برای هر نیروی نظامی مصری هم یک مراقب بگذارد که نشدنی است، یعنی یک خواسته‌ای است که اسرائیلی‌ها هیچ وقت به آن نخواهند رسید. به هر حال این بحث غزه بود.

■ **چند سال قبل رهبر انقلاب فرمودند کرانه باختری رود اردن هم باید مانند نوار غزه مسلح شود. با توجه به محدودیت‌هایی که وجود دارد، این امر چطور ممکن است و چه کارهایی در این زمینه انجام شده است؟**

بله! همان‌طور که رهبر معظم انقلاب فرمودند درباره کرانه باختری، استراتژی جبهه مقاومت این بود که این ناحیه نیز باید مسلح شود. منتها اینجا برخلاف منطقه غزه، کار با موانعی مواجه بوده و هست. مانع اول این است که شما از کجا می‌خواهید به اینجا دسترسی داشته باشید، یک طرف اردن است که رژیم اردن دست کمی از رژیم اسرائیل ندارد، باقی هم اسرائیلی‌ها هستند. منطقه کرانه و غزه حدود ۲۲ درصد خاک فلسطین هستند؛ ۶ هزار کیلومتر مربع مساحت منطقه کرانه باختری است و ۱۳ شهر مثل الخلیل دارد که مرکز آن در حال حاضر رام‌الله است. این منطقه راه به جایی ندارد و رفت و آمد برای شما در این منطقه ممکن نیست. نکته دوم اینکه در اینجا غیر از ارتش و سرویس امنیتی اسرائیل، پلیس محمود عباس مانند یک پلیس اسرائیلی عمل می‌کند و مساله دیگر اینکه در اینجا شرایط مانند انسجام غزه نیست. در غزه مردم مذهبی جهادی هستند، در حالی که در کرانه باختری وضعیت کمی از نظر شرایط اجتماعی متفاوت است و دست آخر هم اینکه برای اسرائیلی‌ها کرانه باختری بسیار حساسیت دارد، برای اینکه کرانه یعنی قدس شرقی، کرانه یعنی منطقه مقدس اسرائیل. می‌دانید که الخلیل -که مسجد حضرت ابراهیم(ع) است- برای ما هم خیلی حساس است. اسرائیلی‌ها اینجا را به عنوان منطقه تاریخی خودشان حساب می‌کنند؛ منطقه مقدس‌شان هست. فلسطین تاریخی یعنی همین جا، فلسطین که منطقه جدید شمالی نیست، فلسطین منطقه شهرهای معروف‌شان عکا، حیفا، یافا و تل‌آویو نیست، فلسطین تاریخی اینها نیستند، فلسطین تاریخی یعنی قدس، الخلیل و رام‌الله. همه حرف اسرائیل این است که شما هر جا را خواستید بگیرید ولی این شهرها را نگیرید. تل‌آویو تاریخ ندارد و یک شهر جدیدی است که ساخته شده است، بنابراین اسرائیلی‌ها بشدت مراقب مناطق مقدس‌شان هستند. امروز تسلیح کرانه لزوما نیاز به اقدامات از بیرون ندارد. شما الان با همین سیستم‌های رایانه، کامپیوتر و شبکه‌های اجتماعی می‌توانید در کرانه باختری، کرانه‌ای‌ها را به سمت تولید سلاح سوق دهید و کافی است آموزش دهید. الان هم ساخت سلاح امکانات پیچیده‌ای نمی‌خواهد، شما خرج موشک را می‌توانید از محصولات کشاورزی هم به دست آورید. یعنی یکسری کالاهایی که مصرف کشاورزی دارد، همان مصرف نظامی هم دارد. کود و اوره و چیزهایی که از دل زمین بیرون می‌آیند و محصولات صنعتی و شیمیایی داخل زمین است، اینها چیزهایی است که به این سمت می‌رود. کما اینکه علامت‌هایی از این مساله وجود دارد که سرویس اطلاعاتی اسرائیل بسیار حساس است و دارد آن را پیگیری می‌کند ولی این چیزی است که در شرایطی که اوضاع خیلی شلوغ شود خیلی هم نمی‌شود کنترل کرد. یعنی کافی است کمی اوضاع به‌هم بخورد؛ اینها مسائلی است که در این صحنه باید در نظر گرفت. ما در آنجا چندین نقطه اتکا داریم، یک نقطه اتکا این است که منتظریم از سمت ۴،۵ میلیون فلسطینی ساکن اردن تحرکی انجام شود. در حال حاضر ۶۰ درصد جمعیت اردن، فلسطینی هستند و ۴۰ درصد جمعیت‌شان اردنی است. فلسطینی‌های ساکن اردن در یک وضعیت بغرنج به سر می‌برند. اینها هم از داخل و هم در خارج تحقیر می‌شوند. ما منتظریم شرایط به جایی برسد که اینها تکانی بخورند. در جنگ قبلی که فلسطینی‌ها نام آن را «سیف‌القدس» گذاشتند، ساکنان اردن تکانی خوردند و یک نفر هم شهید دادند و سمت مرز آمدند. مطمئن هستیم این نقطه روزی منفجر می‌شود، حالا این انفجار یا به شکل تغییر رژیم در اردن اتفاق می‌افتد و یک رژیم فلسطین‌محور جای رژیم ملک عبدالله را می‌گیرد یا اینکه به شکل فشار بر حکومت اردن و تغییر در سیاست اردن اتفاق می‌افتد. در آن سمت کرانه باختری یکی از این ۲ اتفاق حتما می‌افتاد.

تا همین جای کار این ارتش اسرائیل است که شکست خورده و اعتبارش از دست رفته است لذا مقاومت باید از پیروزی حفاظت کند و به همین دلیل اسرائیل به کارهای دیوانه‌وار دست می‌زند و می‌خواهد به هر قیمتی این اعتبار از دست رفته را برگرداند در حالی که طرف مقابل دشمن را به‌خوبی می‌شناسد و می‌داند چگونه شکست دیگری را بر او تحمیل کند

بازی چند سر باخت اسرائیل!

سید مصطفی خوش‌چشم: تحولات اخیر میان مقاومت اسلامی غزه و رژیم صهیونیستی از ۲ منظر قابل توجه است:

یک - اصل طراحی و اجرای عملیات غرورآفرین «توفان الاقصی» از سوی اتاق عملیات مشترک همه گروه‌های مقاومت اسلامی در غزه با محوریت حماس و مشارکت موثر جهاد اسلامی، فتح جبهه خلق برای آزادی فلسطین و...

دو- واکنش صهیونیست‌ها به این عملیات

واقعیت این است که عملیات مقاومت اسلامی غزه در روز شنبه ۷ اکتبر (۱۵ مهر)، دارای تاثیرات و نتایج راهبردی است اما عملیات انتقامی و واکنشی اسرائیلی‌ها، تاثیرات و پیامدهای تاکتیکی (طبیعتا با تاثیر کوتاه‌مدت و فایده ارزش راهبردی) دارد و فرمایش مقام معظم رهبری درباره غیرقابل ترمیم بودن ضربه وارده به رژیم صهیونیستی دقیقا در همین راستاست. نتایج راهبردی عملیات مقاومت اسلامی غزه پس از پایان عملیات و جنگ به وضوح برای همگان مشخص خواهد شد و خود را نشان خواهد داد.

دکترین نظامی اسرائیل مبتنی بر ۴ محور است: ۱- بازدارندگی ۲- هشدار ۳- تصمیم‌گیری ۴- دفاع در برابر خطر

در عملیات توفان الاقصی هر ۴ محور دکترین اسرائیل از سوی مقاومت اسلامی غزه به طور موثری منهدم و تخریب شد. این از آنجا اهمیت بیشتری می‌یابد که بدانیم تا پیش از این در ارزیابی‌های دستگاه امنیتی - اطلاعاتی و نظامی اسرائیل، مقاومت در غزه ضعیف‌ترین حلقه محور مقاومت در منطقه قلمداد می‌شد.

علت ورود میدانی، سیاسی و محوری آمریکا به عرصه دقیقا به خاطر انهدام همین ۴ آیتم دکترین دفاعی اسرائیل است؛ این یعنی اثر عملیات توفان الاقصی!

پیامد راهبردی بعدی برای رژیم صهیونیستی شکاف شدید حاکمیتی خواهد بود. فعلا با دخالت آمریکا تیم نتانیاهو و راستگرایان فاشیست اسرائیل با رهبران و جریان اپوزیسیون مجتمع شده‌اند اما قطعا بعد از پایان جنگ اختلافات اوج گرفته و گسترده می‌شود و همچنین کابینه فعلی اسرائیل دچار فروپاشی خواهد شد (مشابه آنچه پس از شکست اسرائیل در حرب تموز / جنگ ۳۳ روزه شاهد بودیم و کمیته وینوگراد و در نهایت زندانی شدن اولمرت، نخست‌وزیر و عزل‌های گسترده فرماندهان ارشد ارتش اسرائیل).

اینها پیامدهای تاکتیکی و کوتاه‌مدت این عملیات خواهد بود. بلافاصله بعد از این عملیات شهرک‌نشینانی که به چشم دیدند امنیتی در سرزمین‌های اشغالی وجود ندارد و با توجه به عملیات اخیر و از دست رفتن بازدارندگی ارتش و دولت اسرائیل و عدم کارایی وعده‌ها، در قالب مهاجرت‌های گسترده از شهرک‌های حاشیه غزه و لبنان تا مناطق دیگر مهاجرت معکوس می‌کنند. این مهاجرت‌ها تشدید خواهد شد و شواهد آن را از روز نخست عملیات توفان الاقصی در قالب فرار گسترده صدها هزار شهرک‌نشین صهیونیست از فرودگاه‌های اسرائیل از جمله بن‌گوریون و... دیدیم.

رهبر معظم انقلاب در سخنرانی اخیرشان فرمودند اسرائیل اسب بازنده است و عده‌ای روی اسب بازنده دارند شرط‌بندی می‌کنند. این فرمایشات ناظر بر این مطلب است که آمریکا آمده پای کار که رژیم صهیونیستی را از بحران فروپاشی خارج کرده و به شرایط قبل از آغاز عملیات توفان الاقصی بازگرداند اما این به هیچ وجه ممکن نیست و آمریکا روی اسب مرده شرط‌بندی کرده و نتیجه آن نیز مشخص است!

از طرفی نباید فراموش کرد که تحولات اخیر قطعا روی انتخابات آمریکا هم تاثیرگذار خواهد بود.

به طور کلی اسرائیل ۲ راهبرد را دنبال می‌کند: ۱- نابودی حماس ۲- با خاک یکسان کردن غزه و کوچ ساکنان آن به شبه‌جزیره سینای مصر!

هیچ‌کدام از این ۲ راهبرد تحت هیچ شرایطی امکان‌پذیر نیست. نخست آنکه در صورت تشدید سطح جنگ از جمله ورود نیروهای رژیم صهیونیستی، نیروهای مقاومت فلسطینی گوناگون و سپس حزب‌الله لبنان به طور تمام قد وارد معرکه می‌شوند و در کنار جنگ خیابانی حماس، غزه به باتلاق این رژیم بدل خواهد شد. اما حتی صرفنظر از این ورود، باز هم در رابطه با نابودی حماس باید گفت حماس ساختار بتنی و تاسیساتی نیست که با بمباران و حمله نابود شود، بلکه جریانی مبتنی بر نهضت نرم‌افزاری و تفکر مقاومت است که قابل نابودی نیست. کما اینکه پیش‌تر مورد مشابهی را درباره حزب‌الله در لبنان دیدیم.

درباره کوچاندن اجباری مردم غزه نیز باید گفت عمده جمعیت آن حاضر به ترک وطن و سرزمین خود نیستند و بیان می‌دارند که نمی‌خواهند اشتباه پدران خود در روز نکبت را تکرار کرده و سرزمین‌شان را تقدیم رژیم صهیونیستی کنند. مخالفت‌های منطقه‌ای و مردم غزه و کشورهای همسایه با مهاجرت هم موجب شکست کامل راهبرد تخلیه ساکنان غزه و مهاجرت اجباری آنها توسط اسرائیل خواهد شود. طی روزهای اخیر رهبران مصر و اردن دست‌کم ۳ بار اعلام کردند به هیچ وجه اجازه کوچ اجباری را نمی‌دهند.

بنابراین تا اینجای کار اسرائیل متحمل خسارات راهبردی و درازمدتی شده که عواقب و پیامدهای خسارت‌بار آن سال‌ها ادامه خواهد داشت؛ در حالی که به جز وحشیگری و قتل‌عامی که باعث تحریک مردم منطقه و جهان به حمایت از فلسطین شده است، هنوز هیچ عایدی دیگری نداشته است و فارغ از آنکه به غزه تجاوز زمینی کند یا خیر، در آستانه ورود قطعی به دوران اضمحلال است.

اسرائیل شر مطلق است

«فداکاری‌هایی که ما امروزه در راه مبارزه با اسرائیل باید تقدیم کنیم، ده‌ها برابر بیشتر از چیزی است که می‌توانست در آغاز فعالیت صهیونیست‌ها و اشغال سرزمین ما تقدیم شود. اگر ما از ۱۰۰ سال پیش، مطابق دستورات دینی عمل می‌کردیم و متوجه خطر بودیم، امکانات فراوان و ثروت هنگفتی ذخیره کرده بودیم».

این بخشی از تحلیلی است که آیت‌الله سیدموسی صدر به عنوان اندیشمندی مسلمان که در گستره عمل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اسلامی وارد شده بود، بیش از چند دهه پیش در جمع شخصیت‌های برجسته و سرشناس اسلامی مطرح کرد.

امام موسی صدر ریشه اندیشه‌ای که دستاویز تشکیل اسرائیل و اشغال سرزمین فلسطین شد را نه از تئودور هرتسل، روزنامه‌نگار قرن ۱۹ میلادی، بلکه از انحرافاتی می‌داند که به دست برخی علمای یهود پس از حضرت موسی(ع) رقم خورد. او معتقد است از همان زمانی که نخستین اتفاقات این گونه رخ داد، یعنی پیش از میلاد حضرت مسیح(ع)، یهودیان نژادپرستی، افکار نژادپرستانه را مطرح می‌کردند؛ افکاری که به آنان توهم برتری بر بشر را می‌بخشد.

امام صدر معتقد است فعالیت ویرانگر اندیشه صهیونیستی قرن‌هاست که بشر را دچار مشکل کرده و در راه انحراف بشر هیچ‌گاه بی‌عمل نبوده است. کفر ورزید و طغیان کرد و پیامبران را به ناحق کشت و احادیث و آموزه‌های دروغین جعل کرد و بر ضد صدها هزار نفر از مؤمنان توطئه چید و ادیان را تحریف و حقایق را مسخ و تاریخ را تحریف کرد و به فساد و انحراف و بی‌بندوباری دامن زد.

سیدموسی صدر اندیشه‌ای که دولت اسرائیل را در قرن اخیر به وجود آورد، نتیجه حتمی مبانی تمدن غربی و طغیان خودخواهانه بشری می‌داند که در پایان قرون وسطی بر پایه انکار خدا و ارزش‌ها بنا گذاشته شد.

او رژیم اسرائیل را نماد کامل تمدن غربی از نظر انحصارطلبی و بهره‌کشی و تفرقه‌افکنی نژادپرستانه و تعصب‌های دینی و ستمگری و اشغالگری و سنگدلی معرفی می‌کند.

امام صدر اندیشه صهیونیستی و اسرائیلی را بیماری خطرناکی می‌داند که هر طور شده و به فوریت باید توسط همه ابنای بشر مورد رویارویی کامل و پایانی قرار گیرد و در صورت سهل‌انگاری، معتقد است علاوه بر دریدن ملت‌های جهان، پدر و مادر خود را نیز خواهد درید و بازمانده انسانیت موجود در جهان را بر باد خواهد داد.

او معتقد است اندیشه اسرائیلی و صهیونیستی، خود را از جهت آفرینش و نژاد، برتر از دیگر انسان‌ها می‌داند و در کمین فرصت است تا ثروت فرزندان آدم از هر نوع و هر جنسی را غارت و آنان را تحقیر کند و به‌مثابه ابزارهایی برای خوشبخت کردن فرزندان اسرائیل به کار گیرند.

او ادعاهای مطرح‌شده توسط اسرائیل مبنی بر تعلق سرزمین فلسطین به یهود و ادعاهایی پیرامون معبد سلیمان را پوچ و دروغی تاریخی می‌داند و تصریح می‌کند: می‌گویند مسجدالاقصی بر ویرانه‌های معبد سلیمان ساخته شده است. این دروغی تاریخی است. معبد سلیمان چندین بار پیش از ساخت مسجد خراب شده بود و زمان ورود سپاه اسلام از این معبد هیچ نشانی برجا نبوده است.

سیدموسی صدر معتقد است دین هر انسانی را صرف‌نظر از مذهب یا اندیشه یا اعتقادش، محترم می‌شمارد اما اگر انسانی در نتیجه اعتقادات زیان‌آور تبدیل به جرثومه‌ای شود که در زمین فساد و تباهی کند، دین ارج و حرمتی برای این موجود قائل نیست. در تفکر امام صدر هیچ جایی برای هیچ مذاکره‌ای با اسرائیل و به رسمیت شناختن هیچ حقی برای آنان وجود ندارد و تمام ظرفیت بشری باید برای مقابله‌ای نهایی و نابودکننده با اسرائیل به خدمت گرفته شود. او در عین حال که تمام صهیونیست‌ها را از یک جنس می‌داند و معتقد است در طول زمان‌های طولانی از درون یا بیرون اسرائیل جز گزافه‌گویی و تندروی از آنها چیزی شنیده نشده و آنها همگی در تاریکی و سیاهی یکسان هستند، به جامعه بشری نیز این نکته را گوشزد می‌کند که مقابله با اسرائیل و صهیونیست‌ها مقابله با مجموعه‌ای از انسان‌ها نیست.

او می‌گوید: جنگ ما با آنان جنگ با یک مجموعه از انسان‌ها نیست، بلکه این جنگ در واقع نبردی است با فساد و انحراف و ستم و اندیشه تبعیض نژادی که اساس تفکر آنان است: «اگر می‌پندارید که شما دوستان خدا هستید، نه مردم دیگر». این است مصیبت ما. مصیبت اینجاست که آنان خود را اولیا و دوستان خدا می‌دانند و دیگران را نه، این نکته اساسی است. امام موسی صدر در مواجهه با اسرائیل مسؤولیتی بزرگ را متوجه انسان‌های مؤمن در جهان خصوصا در خاورمیانه می‌داند و معتقد است ایمان در مشرق‌زمین بویژه اسلام و مسلمین در معرض امتحان قرار گرفته است. اینکه چه برخوردی از اهالی ایمان در مقابله با اسرائیل و تفکر صهیونیستی مشاهده می‌شود تعیین‌کننده وضعیت ایمان آنهاست.

او این مسؤولیت را نه تنها متوجه مسلمانان، بلکه مسیحیان را نیز در این باره دارای مسؤولیتی کامل می‌داند و اسرائیل را دشمنی برای همه ادیان الهی اعم از اسلام و مسیحیت برمی‌شمرد و مسجد و کلیسا را توأمان آماج حملات صهیونیستی می‌داند.

صدر وظیفه برخورد با اسرائیل را دستوری قرآنی می‌داند و در ضمن توضیح مساله، دیدگاه فقهی خود مبنی بر وجوب مبارزه با اسرائیل را ارائه می‌دهد. امام موسی صدر در این باره می‌گوید: آیه قرآن کریم که تأکید می‌کند: «ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ» ساختاری انشایی و امری دارد و از نوع جملات اخباری و حکایتی به حساب نمی‌آید. این آیه امری واجب و مسؤولیت‌آور بر دوش می‌گذارد و اگر این مسؤولیت را به انجام نرسانیم، در آینده بر ما مهر ذلت و بیچارگی خواهد خورد.

امام موسی صدر با عنایت به مقدماتی که پیش‌تر به آنها اشاره شد، نتیجه می‌گیرد اسرائیل شر مطلق می‌باشد و ضد اسلام، مسیحیت، ایمان و انسانیت است. صدر در این باره تعبیر جالبی به کار می‌برد تا عمق دشمنی تفکر انسانی را با تفکر صهیونیستی نشان بدهد. او می‌گوید: اگر اسرائیل و شیطان با یکدیگر بجنگند، ما در کنار شیطان می‌ایستیم. اگر اسرائیل با چپ بجنگد، ما در کنار چپ خواهیم ایستاد. اگر اسرائیل با راست بجنگد، در کنار راست خواهیم ایستاد.